

## ارزیابی روند ادراک تهدید ایالات متحده امریکا علیه ج.ا.ا. (از سال ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۱۲)

محمد عباسی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱/۲۷

تاریخ تأیید: ۱۳۹۱/۲/۱۷

### چکیده

مدیریت اطلاعات ملی امریکا جایگاهی است که پس از حادثه یازدهم سپتامبر ایجاد شد و طبق تعریف کمیسیون ویژه ۱۱ سپتامبر، وظیفه آن؛ مدیریت برنامه‌های اطلاعات ملی و نظارت بر سازمان‌هایی است که در این امر مشارکت دارند. نویسنده در این مقاله با تأمل در نظریه توازن تهدید استفان ام. والت در تلاش است که این سوال را بررسی کند « روند تهدیدات اعلامی از سوی شورای اطلاعات ملی امریکا از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ علیه جمهوری اسلامی ایران چگونه بوده است؟ » پاسخ اولیه‌ای که به عنوان فرضیه به ذهن متبادر می‌شود این است که روند کلی تهدیدات اعلامی مدیریت اطلاعات ملی در بررسی ارزیابی تهدیدات سالانه امریکا در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ در ایران حاکی از افزایش ادراک تهدید تا سال ۲۰۰۹ از سوی ج.ا.ا. نسبت به سایر تهدیدات بوده و در سال ۲۰۱۰ کاهش یافته است. بدیهی است این ارزیابی‌ها با امنیتی‌ساختن یا غیرامنیتی‌کردن تهدیدات علیه کشور ایران ربط وثیق داشته و آگاهی از روند ارزیابی‌ها می‌تواند در مرحله پیشگیری از وقوع تهدیدات امنیتی مؤثر واقع شوند یا به هنگام وقوع آنها، مدیریت به موقع و مؤثر رویداد را امکان‌پذیر سازند.

**کلیدواژه‌ها:** تحلیل محتوا، ارزیابی، تهدیدات سالانه امریکا، مدیراطلاعات ملی، جمهوری اسلامی ایران، ادراک تهدید.

۱. عضو هیأت علمی دانشکده فارابی و دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی ma10773@gmail.com

## مقدمه

پرسش اساسی در بررسی امنیت یک موضوع این است که «امنیت چه چیزی، از چه ناحیه‌ای و چگونه در معرض تهدید است؟» (تریف، ۱۳۸۳، ۴۸) بر همین مبنا در سیاستگذاری راهبردی امنیت هم این سوال طرح می‌شود که «امنیت یک موضوع چگونه، از سوی چه دستگاهی و با چه ابزاری تأمین می‌شود؟» (مارتین: ۱۳۸۳، ۱۹) مطالعات و بررسی‌هایی که درباره امنیت ملی انجام گرفته همگی امنیت ملی را بر اساس پرسش مزبور تحلیل نموده و راه‌هایی ارائه کرده‌اند. به عنوان مثال هانس مورگنتا در قالب نگرش واقع‌گرایانه معتقد است که موضوع امنیت ملی، منافع ملی است که به شیوه نظامی و محسوس در معرض تهدیدات خارجی قرار دارد و لازم است دولت ملی برای دفع این تهدیدات، قدرت نظامی را به گونه‌ای افزایش دهد که مهاجم در حمله خود مردد و در صورت هجوم، پشیمان شود. (مورگنتا، ۱۳۷۲، ۱۰۵) در مقابل این برداشت، مکاتب و نگرش‌های دیگری هم وجود دارند که منبع و موضوع تهدید و نیز راه‌های مقابله را به شیوه متفاوتی تحلیل و تفسیر می‌کنند نظریه‌های مختلف امنیت، نگاهی متفاوت به مفهوم تهدید و ابعاد و همچنین نحوه ارزیابی آن دارند و این تفاوت‌ها می‌تواند به دیدگاه‌های متفاوتی درباره نحوه مدیریت تهدید بیانجامد. در این مقاله با تأمل در نظریه توازن تهدید استفان ام. والت به بررسی ارزیابی تهدیدات سالانه آمریکا از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ با استفاده از روش تحلیل محتوا پرداخته می‌شود.

استفان ام. والت در مقاله‌ای با عنوان «شکل‌گیری اتحاد و توازن قدرت»، در سال ۱۹۸۵، عنوان نمود که عامل تعیین‌کننده رفتار کشورها در برقراری اتحاد، درک تهدید مشترک از سوی دیگران است. به اعتقاد وی، کشورها اغلب با تشکیل اتحاد علیه تهدید (درک‌شده) به ایجاد توازن می‌پردازند و کشورهایی که از امکان اتحاد برخوردار نیستند، برای تأمین امنیت خود و رهایی از تهدید، پیوستن به تهدید و هم‌رنگ‌شدن با آن را ترجیح می‌دهند. به نظر والت، کشورها علیه قدرت به موازنه نمی‌پردازند، بلکه موازنه‌ها اساساً علیه تهدیدات است.

در عین حال، تهدیدات نیز به بیان والت، تابعی از چهار متغیر قدرت، مجاورت جغرافیایی، قابلیت تهاجمی و تمایلات تهاجمی است. با یکسان‌بودن کلیه شرایط دیگر، افزایش در هر یک از عوامل فوق، موجب می‌شود سایر کشورها به ویژه قدرت‌های بزرگ، دارندگان این صفات را تهدیدگر انگاشته و در مهار آن از طریق اتحاد و موازنه برآیند. بنابراین، دیدگاه والت چهار معیار را برای ارزیابی تهدید ارائه می‌کند که عبارتند از قدرت (شامل وسعت، جمعیت، ثروت،

توان اقتصادی و توان نظامی)، مجاورت یا نزدیکی جغرافیایی (یعنی هرچه تهدیدگر نزدیکتر باشد، تهدید جدی‌تر است)، توانایی‌هایی تهاجمی (ممکن است قدرت یک کشور یا بازیگر سمت و سوی تهاجمی نداشته باشد و سویه‌های تدافعی آن قوی‌تر باشد) و مقاصد یا نیت تهاجمی (در صورت مثبت‌بودن شرایط پیش‌گفته، ممکن است اراده تصمیم‌گیران صیغه‌ای تهاجمی نداشته باشد؛ هرچند توانمندی‌های آنان تهاجمی باشد. در این صورت، استعداد ایجاد اتحاد و موازنه از سوی رقبای کاهش می‌یابد.) (والث، ۱۹۹۰: ۳۸ - ۳۲) مثال بارز در این باره، توانمندی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است. ایالات متحده آمریکا درصدد ایجاد اجماع جهانی علیه این پروژه و برقراری اتحاد میان قدرت‌های بزرگ علیه آن است که تا حدود زیادی محقق شده است. هر قدرتی که درک تهاجمی از این توانمندی داشته باشد و در عین حال، مقاصد دولت‌مردان جمهوری اسلامی را تهاجمی‌تر بداند و همچنین، نزدیکی جغرافیایی بیشتری به جمهوری اسلامی داشته باشد، امکان مشارکت آن در این اتحاد بیشتر می‌شود. به همین دلیل است که اسرائیل در این پروژه به آمریکا نزدیک‌تر از دیگران است. هر چند در ادبیات روابط بین‌الملل در محافل آکادمیک گفته می‌شود منطق حاکم بر رفتار قدرت‌های بزرگ (نئورئالیستی) است، اما درباره داشتن سلاح‌های هسته‌ای قدرت‌های بزرگ به توصیه پدر نئورئالیسم یعنی کنت والتز گوش نمی‌کنند که معتقد است افزایش تعداد دولت‌های هسته‌ای در نظام بین‌الملل باعث افزایش ثبات آن می‌شود. (والث، ۱۳۸۶، ۱۴۹) به گفته وی «آن گونه که تاریخ عصر هسته‌ای نشان می‌دهد، سلاح‌های هسته‌ای دولت‌ها را هوشیارتر می‌کند. دولت‌های سرکش، همان‌گونه که زمانی چین و شوروی این گونه بودند، از این الگو پیروی کرده‌اند. . . . صلح‌طلبی خصوصیت اصلی کشورهای هسته‌ای بوده است. مگر در موارد مربوط به بحران‌های کوچک». در نقطه مقابل قدرت‌های بزرگ طی چند دهه گذشته با شدت و حدت تمام، مانع انتقال فن‌آوری هسته‌ای به کشورهایی شده‌اند که در دایره قدرت کشورهای غربی نبوده‌اند. حتی کشورهایی که فعالیت هسته‌ای را آغاز کرده و در این راه پیشرفت قابل ملاحظه‌ای داشتند، بر اثر فشار قدرت‌های بزرگ و به طور مشخص آمریکا مجبور به کنار گذاشتن این فعالیت‌ها و به قول معروف بازگشت هسته‌ای<sup>۱</sup> شده‌اند. (Levite, 2002, 55) به نظر کنت والتز، دولت‌ها به هفت دلیل تصمیم می‌گیرند سلاح هسته‌ای به دست آورند:

1. Nuclear Reversal

- ۱- تقلید قدرت‌های بزرگ از یکدیگر در هسته‌ای شدن.
- ۲- ترس از حمله هسته‌ای یک کشور دیگر، مثل ترس بریتانیا از حمله هسته‌ای شوروی.
- ۳- داشتن یک دشمن هسته‌ای و نداشتن متحد هسته‌ای مثل پاکستان.
- ۴- داشتن یک دشمن دائمی و ناگزیر بودن به زندگی با آن، مثل اسرائیل.
- ۵- برای برخی کشورها سلاح هسته‌ای جایگزینی مطمئن‌تر و ارزان‌تر از ورود در مسابقات تسلیحاتی است.

۶- خواستن سلاح هسته‌ای برای اهداف تهاجمی.

- ۷- تلاش برای کسب پرستیژ یا ارتقای جایگاه یک دولت در نظام بین‌الملل (والتز، ۱۳۸۶، ۱۴۹).
- به دلیل رویکرد روش‌شناختی پوزیتیویستی، والتز اهمیت عوامل داخلی و حتی منطقه‌ای را تا حد زیادی نادیده می‌گیرد. نویسندگان مختلف به عوامل داخلی مؤثر بر غیرهسته‌ای شدن اشاره می‌کنند. اتل سولینگن از این ایده دفاع می‌کند که هر چه دولت‌ها به سمت اقتصاد بازار و آزاد متمایل‌تر باشند انگیزه آنها برای به دست آوردن سلاح هسته‌ای کم‌تر می‌شود. زیرا هزینه حفظ فن‌آوری هسته‌ای و سلاح هسته‌ای برای این کشورها بیشتر از کشورهایی است که سیاست‌های اقتصادی درون‌گرا دارند. (Solingen, 2007, 17)

در این تلقی، عامل دوم یا مجاورت، مبین این گزاره مفروض است که «اعمال قدرت با بعد مسافت کمتر می‌شود». بنابراین، کشورهای مجاور تهدید بزرگ‌تری نسبت به کشورهای دور دست محسوب می‌شوند. به همین دلیل است که حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و ایجاد پایگاه دریایی در بحرین، پایگاه هوایی در قطر و پایگاه زمینی در کویت؛ آن کشور را به عضوی از مجموعه امنیتی خلیج فارس تبدیل نموده، موجب افزایش ظرفیت تهدیدزایی آن برای جمهوری اسلامی شده است.

بر اساس قدرت تهاجمی به عنوان عامل سوم، کشورهایی که قابلیت‌های خاص نظامی مانند نیروهای بسیار متحرک یا قابلیت‌های سیاسی مانند عقاید بالقوه سرایت‌کننده و تهاجمی دارند و یکپارچگی قلمرو یا ثبات سیاسی سایر کشورها را نشانه رفته باشند، تهدیدآمیزتر جلوه می‌کنند.

عامل چهارم، یعنی نیت و مقاصد تهاجمی نیز، وقتی کشورها تصور کنند دیگران قصد تهاجم دارند، بیشتر احتمال مقابله و برقراری توازن وجود دارد. پیوستن به اتحاد برای کشورها، به نظر والت، به دو صورت می‌تواند رخ دهد. نخست، ایجاد توازن؛ یعنی متحدشدن علیه منبع اصلی

خطر یا تهدید و دوم، هم‌رنگ‌شدن با تهدید یا متحدشدن با منبع خطر یا تهدید. اگر ایجاد توازن بر هم‌رنگ‌شدن با تهدید ترجیح داده شود، آنگاه، کشورها احساس امنیت بیشتری خواهند کرد؛ چرا که تهدیدگران با نیروهای موازنه‌گر یک‌پارچه‌ای مواجه خواهند بود. بر این اساس، آنچه در مدیریت تهدید و مهار آن یا بهره‌گیری از آن در جهت ایجاد فرصت‌ها اصالت می‌یابد، قدرت بازیگر است و در این میان، آنچه اتحاد را برمی‌انگیزد، قدرت بازیگر تهدیدکننده می‌باشد. بر مبنای نظر والت، اعمال تهدید کمتر اشتیاقی برای اتحاد برمی‌انگیزد تا اعمال قدرت برای ایستادگی در برابر آن.

فضای ذهنی بازی مستلزم نوعی مدیریت بر ادراک تهدیدات است. استفان والت در نظریه خود با عنوان «موازنه تهدید» مدعی است که بازیگران به تهدیدها واکنش نمی‌دهند، بلکه به برداشت خود از تهدید واکنش نشان می‌دهند. سطح تهدیدی که بازیگر پدید می‌آورد نه فقط به قدرت کلی آن، بلکه به مجاورت جغرافیایی، قدرت و مقاصد تهاجمی‌اش بستگی دارد. (والت، ۱۹۹۰: ۳۲).

#### ادراک تهدید

گرایش به سوء ادراک<sup>۱</sup> اولین بار از سوی رابرت جرویس در تحلیل او از رفتار تصمیم‌گیری کشورهای درگیر مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت (Jervis, 1968, 454). طبق نظریه جرویس کشورها نیت یگدیگر را ناخودآگاهانه یا عامداً به گونه‌ای دیگر برداشت می‌کنند با توجه به نظریات جرویس و استفان والت می‌توان درباره درک یا شناسایی تهدیدات، دو دیدگاه اصلی را مد نظر داشت. یک نظر، شناسایی تهدید را از مسیر اعلام یا معرفی توسط هر بازیگری که توانایی امنیتی‌ساختن را داشته باشد، ممکن می‌داند. برای مثال، چنانچه سازمان غیردولتی یا رسانه یا روزنامه، توانایی امنیتی‌ساختن داشته باشد، به عنوان بازیگر شناسایی‌کننده تهدید به رسمیت شناخته می‌شود. در حالی که نظر دیگر، تنها دولت‌ها را قادر و توانمند در شناسایی تهدید از مسیر اعلام و معرفی آن می‌داند.

دیدگاه دوم در شناسایی و درک تهدید را می‌توان دیدگاه «کشف تهدید» نامید. فرآیند شناسایی تهدید در این دیدگاه، فرآیندی کارشناسی و نیز مبتنی بر روش‌های تحلیل و مطالعات پژوهشی و برآوردهای اطلاعاتی و امنیتی است. از این رو، در شناسایی تهدید، بازیگران تصمیم‌ساز امنیتی نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. بر این اساس، وجود یا فقدان تهدید امنیتی، به علت اهمیت

1. Misperception

و تأثیر آن بر امنیت ملی هر کشور، می‌باید با داده‌ها و شواهد به علاوه استدلال متقن مورد تأیید قرار گیرد. در این دیدگاه، حق شناسایی تهدید فقط متعلق به بازیگر امنیتی‌ساز نیست و شناسایی تهدید در شکل بسته اعلام و معرفی، ناکارآمد و به تنهایی، فاقد ارزش است. دیدگاه کشف تهدید در شناسایی تهدیدات امنیتی، بیش‌تر متکی به متغیرهای عینی تهدید است. بر این اساس، در دیدگاه اعلام و معرفی، شناسایی تهدید بر اساس تأکید یا تأیید رسمی مقامات عالی‌رتبه مسئول مبنی بر پذیرش تهدید به عنوان تهدید امنیتی برای کشور مورد نظر است، اما در دیدگاه کشف، عامل اصلی انتشار برآوردهای امنیتی رسمی توسط نهادهای مسئول و شناسایی تهدیدات و اعلام امنیتی‌بودن آنها برای کشور است. در ایالات متحده آمریکا، شناسایی تهدید دارای فرآیندی است که اغلب در اسناد راهبرد امنیت ملی یا دیگر اسناد امنیتی مانند سند مبارزه با تروریسم یا سند حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی متجلی می‌شود. این اسناد پس از تنظیم توسط نهادهای مربوطه به امضای بالاترین مقامات سیاسی - امنیتی بخصوص رئیس‌جمهور رسیده و بر اساس آن، تهدیدات امنیتی کشور شناسایی می‌شود. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت در آمریکا، شناسایی تهدید در درجه اول تابع برآوردهای امنیتی است اما رسمیت‌یافتن آن تابع اعلام و معرفی از سوی بالاترین مقام‌های نظام سیاسی است. در ایالات متحده، فرآیند دیگری نیز در این‌باره وجود دارد. بر این اساس، ضمن آنکه تهدیدات امنیتی بر اساس فرآیند قبلی، شناسایی و توسط مقامات عالی‌رتبه معرفی و تأیید می‌شود، نهادهای امنیتی آمریکا نیز خود اقدام به تهیه برخی برآوردهای امنیتی می‌نمایند که الزامی ندارد به تأیید بالاترین مقامات سیاسی - امنیتی کشورها برسند از آن جمله می‌توان به ارزیابی تهدیدات سالانه ایالات متحده از سوی مدیر اطلاعات ملی آمریکا اشاره نمود. شورای اطلاعات ملی سازمانی تحلیلی است زیرنظر مدیر اطلاعات مرکزی به عنوان مرکز تصمیمات راهبردی میان مدت و بلندمدت جامعه اطلاعاتی است. ارزیابی‌های اطلاعات ملی قوی‌ترین تحلیل‌های کتبی رییس اطلاعات مرکزی است که به موضوعات امنیت ملی مربوط می‌شود ارزیابی‌های اطلاعات ملی شامل تحلیل‌های دقیق جامعه اطلاعاتی است که با توجه به روند احتمالی رویدادهای آتی صورت می‌گیرد. هدف شورای اطلاعات ملی فراهم آوردن اطلاعات روشن و دقیق برای سیاست‌گذاران است. (عباسی، ۱۳۸۵، ۱۲). در فوریه هر سال مدیر اطلاعات ملی همراه مدیران آژانس اطلاعات مرکزی (CIA)، اطلاعات دفاعی (DIA)، اداره تحقیقات فدرال FBI و معاون وزیر کشور در امور اطلاعاتی و تحقیقاتی با حضور در کمیسیون ویژه اطلاعاتی

سنا ارزیابی تهدیدات سالانه را پیشنهاد می‌دهند. این اقدام به این خاطر صورت می‌پذیرد که مسئولیت اصلی نظارت بر عهده دو کمیسیون اطلاعاتی است. رییس جمهور طبق قانون وظیفه دارد سیر اطلاع‌رسانی در موضوع فعالیت‌های اطلاعاتی شامل فعالیت‌های پیش‌بینی شده به کمیسیون‌های اطلاعاتی را تنظیم کند همچنین کمیسیون‌ها باید از برنامه‌های عملیات پنهان مورد تأیید رییس‌جمهور و ناکامی‌های مهم اطلاعاتی مطلع شوند.

الف) کمیسیون ویژه اطلاعاتی سنا

ب) کمیسیون ویژه و دائم اطلاعاتی مجلس نمایندگان (همان، ۳۰).

نویسنده در این تحقیق در تلاش است که این سوال را بررسی کند که سیر تهدیدات اعلامی از سوی شورای اطلاعات ملی آمریکا از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ علیه جمهوری اسلامی ایران چگونه بوده است؟ و پاسخ اولیه‌ای که به عنوان فرضیه به ذهن متبادر می‌شود این است که سیر کلی تهدیدات اعلامی شورای اطلاعات ملی از بررسی ارزیابی تهدیدات سالانه آمریکا در سال‌های یادشده علیه ایران؛ حاکی از افزایش ادراک تهدید از سوی ج.ا.ا. نسبت به سایر تهدیدات بوده است. بدیهی است این ارزیابی‌ها با امنیتی‌ساختن یا غیرامنیتی‌کردن تهدیدات علیه کشورمان ربط وثیق داشته و آگاهی از روند ارزیابی‌ها می‌تواند در مرحله پیشگیری از وقوع تهدیدات امنیتی مؤثر واقع شوند یا به هنگام وقوع آنها، مدیریت به موقع و مؤثر رویداد را امکان‌پذیر سازند.

جامعه آماری: کلیه ارزیابی‌های سالانه مدیر اطلاعات ملی آمریکا از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ که به صورت غیرطبقه‌بندی در جلسه سنا از سوی مدیر اطلاعات ملی طرح و ارائه می‌شود.

جامعه نمونه: برابر بررسی به عمل آمده تعداد ارزیابی‌های سالانه از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ هشت مورد بوده که به دلیل محدود بودن آنها جامعه نمونه به‌طور تمام‌شمار انتخاب و با جامعه آماری برابری کرده و نیازی به بهره‌گیری از فرمول‌های آماری برای نمونه‌گیری نیست.

روش تحلیل محتوا: این روش مبتنی بر این مفهوم است که توجه رسانه‌ها به مفاهیم اجتماعی، سیاسی، تجاری و اقتصادی و میزان انعکاس اخبار این رویدادها، حاکی از میزان اهمیت آنها است. در نتیجه با اندازه‌گیری دوره‌ای تغییرات عواملی همچون حجم ستون‌های روزنامه‌ها، زمان اختصاص یافته در تلویزیون یا شمار موارد مطرح شده در اینترنت یا سایر اسناد مورد نظر، پیش‌بینی کنندگان قادر به برآورد جهت، ماهیت و میزان تغییر خواهند بود. اغلب، نتایج این فن به صورت کمی نشان داده می‌شود. با این وجود تنها برای تحلیل کیفی مورد استفاده

قرار می‌گیرد. بر این اساس در این تحقیق نیز از روش تحلیل محتوا برای بررسی استفاده شده است (هولستی، ۱۳۸۰، ۲۳۶).

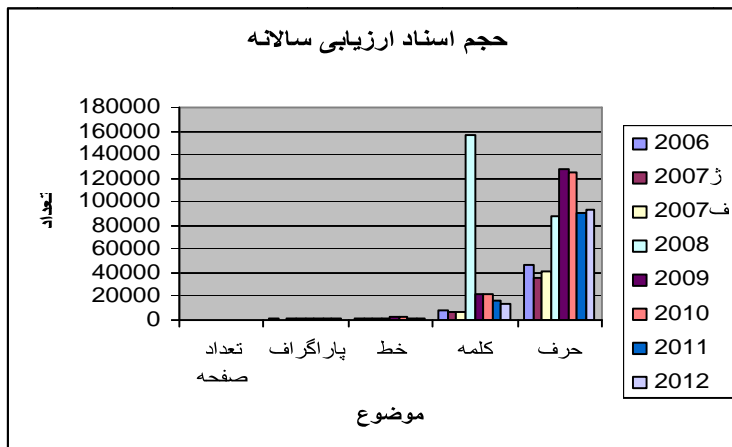
واحد تحلیل: واحد تحلیل کلمه است شمارش کلمه یا نماد یکی از گسترده‌ترین شیوه‌های مورد استفاده در روش تحلیل محتواست که در این تحقیق با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای رایانه‌ای شمارش کلمه صورت می‌پذیرد. رایانه‌ها می‌توانند شمارش فراوانی‌ها را با سرعت زیاد و پایایی کاملی انجام دهند (همان، ۲۳۷).

رویکرد کلی: دوره اول ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد مقارن با ریاست جمهوری آقای جرج واکر بوش در امریکا بوده است گرچه آقای بوش در ۲۰ ژانویه ۲۰۰۹ ریاست جمهوری را به باراک اوباما سپرد اما آقای احمدی‌نژاد از ۵ آگوست ۲۰۰۹ دوره دوم ریاست جمهوری را آغاز نمود.

مدیر اطلاعات ملی	John D. Negroponte	John D. Negroponte	J. Michael McConnell	J. Michael McConnell	Den nis C. Blair	Den nis C. Blair	Jame s R. Clap per	Jame s R. Clap per
موضوع / سال	۲۰۰۶	ژانویه ۲۰۰۷	فوریه ۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲
تعداد صفحه	۲۶	۱۵	۲۳	۴۷	۴۶	۴۷	۳۴	۳۱
پاراگراف	۸۶۴	۵۲۵	۹۴۵	۱۸۶۷	۱۸۰۵	۱۸۰۹	۱۲۷۷	۱۲۷۱
خط	۱۳۲۶	۸۹۲	۹۵۰	۱۸۶۹	۳۱۳۳	۳۱۲۸	۱۲۸۴	۱۱۹۷
کلمه	۸۳۹۷	۶۲۵۰	۷۲۷۵	۱۵۶۳۳۳	۲۲۵۹	۲۱۸۳	۱۵۸۱۱	۱۴۱۵۲
حرف	۴۷۳۹۰	۳۵۶۸۲	۴۱۴۵۴	۸۸۲۱۲	۱۲۸۰	۱۲۴۵	۹۰۷۲۴	۹۲۹۹۹
					۴۹	۶۹		



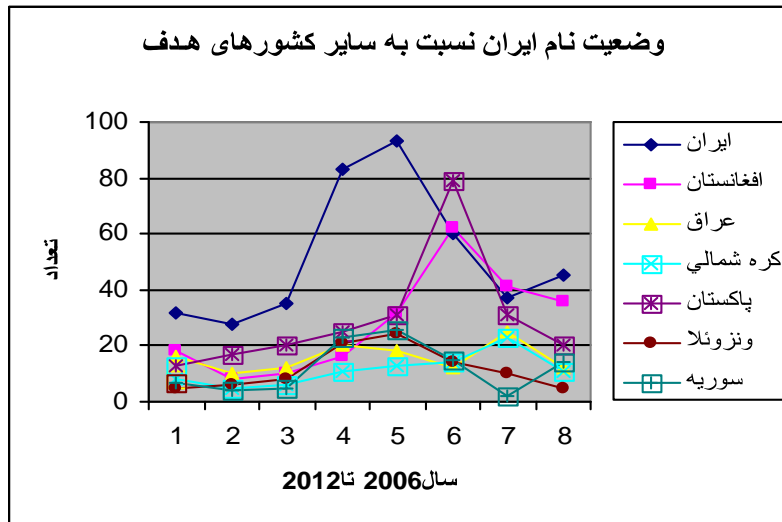
### حجم اسناد ارزیابی سالانه



از بررسی کمی حجم ارزیابی‌های سالانه مشخص می‌شود که سیر حجمی ارزیابی‌ها از ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ سیری صعودی داشته و سپس تثبیت و کاهش یافته است.

### وضعیت نام ایران و سایر کشورهای هدف در گزارش ارزیابی‌ها

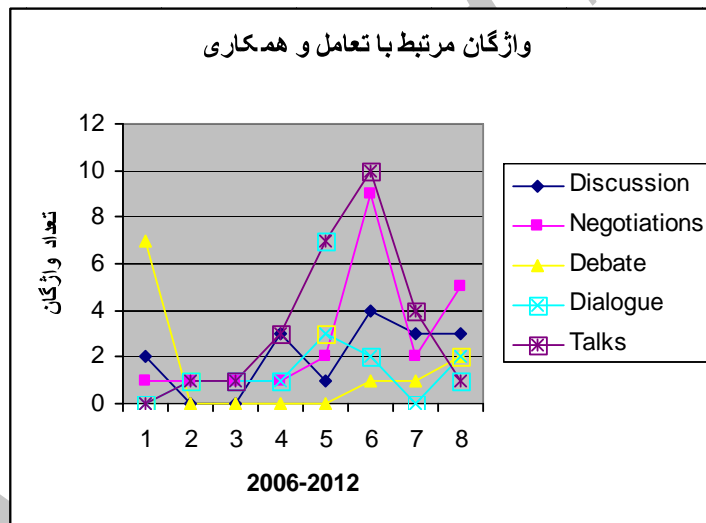
موضوع/سال	۲۰۰۶	ژانویه ۲۰۰۷	فوریه ۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲
ایران	۳۲	۲۸	۳۵	۱۳	۹۳	۶۰	۳۷	۴۵
افغانستان	۱۸	۸	۱۰	۱۶	۳۲	۶۲	۴۱	۳۶
عراق	۱۶	۱۰	۱۲	۲۰	۱۸	۱۲	۲۵	۱۲
کره شمالی	۸	۵	۶	۱۱	۱۳	۱۴	۲۳	۱۱
پاکستان	۱۳	۱۷	۲۰	۲۵	۳۱	۷۹	۳۱	۲۰
ونزوئلا	۵	۶	۸	۲۱	۲۴	۱۴	۱۰	۵
سوریه	۷	۴	۵	۲۳	۲۶	۱۵	۲	۱۴



در بررسی آماری بالا مشاهده می‌شود که تا سال ۲۰۰۹ روند مطرح نمودن ایران به عنوان تهدید سیری افزایشی داشته و این در حالی است که توجه به تهدید کشور ایران در کلیه سال‌ها تا ۲۰۰۹ نسبت به کشورهایی مانند افغانستان، عراق و پاکستان که ایالات متحده درگیر سیاست جنگ علیه تروریسم بوده بسیار بیشتر بوده است و حتی موضوع کره شمالی به‌رغم آزمایش هسته‌ای نیز با ایران قابل قیاس نیست فقط در سال ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ تقلیل یافته و مجدد در سال ۲۰۱۲ با افزایش مواجه شده است با حضور اوباما در کاخ سفید روند کاهش رویکرد تهاجمی و کاهش تصویر تهدیدآمیز از ایران تا سال ۲۰۱۱ ادامه داشته لیکن در سال ۲۰۱۲ که سال سرنوشت ساز انتخابات آتی بر دمکرات‌ها است با افزایش تهدید افکنی با تأکید بر دو کشور ایران و سوریه بوده البته حجم دو تهدید هم قابل قیاس نیست ایران ۴۵ مورد است در حالی که سوریه دارای ۱۴ بار تکرار در اسناد است البته تغییر شیب منحنی ایران و سوریه از یک همبستگی مشابه پیروی می‌کند یعنی هر دو تا ۲۰۰۹ روند افزایشی داشته و سپس تثبیت و افزایش یافته است.

وضعیت بهره‌گیری از واژه‌های مرتبط با مذاکره و تعامل

موضوع/سال	۲۰۰۶	ژانویه ۲۰۰۷	فوریه ۲۰۰۷	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲
Discussion	۲	۰	۰	۳	۱	۴	۳	۳	۲
Negotiations	۱	۱	۱	۱	۲	۹	۲	۲	۵
Debate	۷	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۲
Dialogue	۰	۱	۱	۱	۳	۲	۰	۰	۲
Talks	۰	۱	۱	۳	۷	۱۰	۴	۱	۱

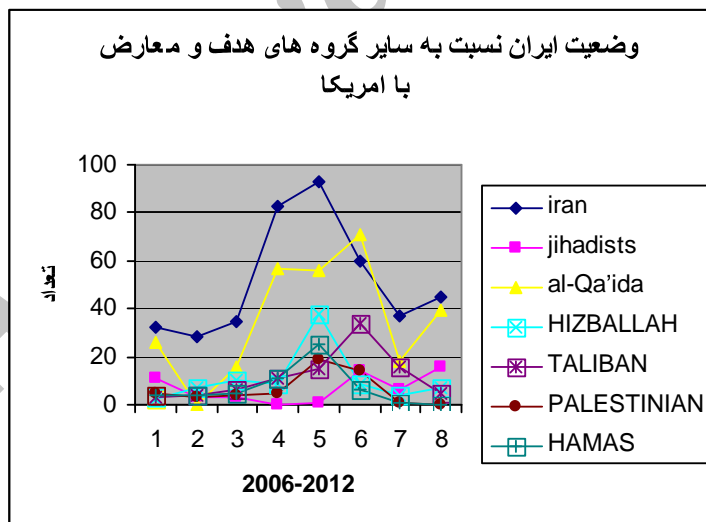


در بررسی کاربرد پنج کلمه‌ی رایج و مصطلح (اعم از رسمی و غیر رسمی) که گویای تمایل به برقراری ارتباط و مذاکره و تعامل در اسناد منتشره ارزیابی تهدیدات از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ است برابر جدول بالا؛ تمایل به رفع تهدیدات متصوره با روش‌های غیر خشونت آمیز به‌رغم بیان وجود «کلیه گزینه‌های روی میز» و سخنان تهاجمی، تا ۲۰۰۸ روندی افزایشی و سپس کاهش

یافته و از ۲۰۱۲ مجدداً افزایش یافته است بر این اساس چنین نتیجه‌ای به ذهن متبادر می‌شود که در زمان افزایش احساس تهدید، تمایل به تعامل و همکاری و مذاکره بیشتر شده است.

وضعیت مقایسه‌ای برخی از گروه‌های معارض آمریکا با نام کشور ایران در اسناد

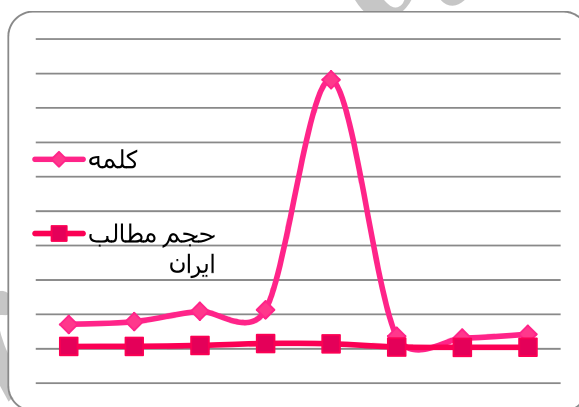
موضوع/سال	۲۰۰۶	ژانویه ۲۰۰۷	فوریه ۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲
iran	۳۲	۲۸	۳۵	۸۳	۹۳	۶۰	۳۷	۴۵
jiihadists	۱۱	۳	۳	۰	۱	۱۴	۶	۱۶
al-Qa'ida	۲۶	۰	۱۶	۵۷	۵۶	۷۱	۱۸	۳۹
HIZBALLAH	۲	۷	۱۰	۹	۳۸	۹	۴	۷
TALIBAN	۳	۴	۶	۱۱	۱۵	۳۴	۱۶	۵
PALESTINIAN	۵	۳	۴	۵	۱۹	۱۴	۱	۰
HAMAS	۴	۴	۵	۱۱	۲۵	۶	۱	۰



برای اولین بار در دوره اوباما، در سند ارزیابی تهدیدات سالانه نام القاعده با ۷۱ مورد اشاره بیشتر از نام ایران با ۶۰ مورد بکار برده شده است در سنوات گذشته از ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ ایران با بیشترین تکرار رکورددار در بین کشورهای هدف امریکا و گروه‌های معارض امریکا بوده است.

حجم مطالب اختصاص یافته به ایران بر اساس کلمه در هر یک از اسناد

موضوع/سال	۲۰۰۰	ژانویه ۲۰۰۷	فوریه ۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰	۲۰۱۱	۲۰۱۲
کلمه	۸۳۹	۶۲۵۰	۷۲۷۵	۱۵۶۳۳	۲۲۵۹	۲۱۸۳	۱۵۸۱	۱۴۱۵
حجم مطالب ایران	۷	۸۶۰	۱۰۳۳	۲۹۰۱	۳۰۹۷	۱۹۷۱	۱۴۶۰	۱۳۹۱



درباره حجم مطالب اختصاص یافته به ایران علاوه بر بخش اختصاصی که در اسناد ارزیابی تهدیدات به طور ثابت به ایران اختصاص یافته، موارد مرتبط با ایران که در مباحثی مانند کنترل تسلیحات یا همکاری با سایر کشورها از جمله چین و روسیه و نفوذ در کشورهایی مانند لبنان و سوریه که به نام از کشور ایران یاد شده است محاسبه شده است. در این اسناد تأکید شده

است که به نظر جامعه اطلاعاتی امریکا؛ تهران همچنان ایالات متحده را یک تهدید موجود دائمی و تا حدی عامل ناآرامی های پس از انتخابات می داند. ایران می خواهد نفوذ آمریکا را در خاورمیانه با حمایت از مخالفت‌ها علیه آمریکا، پشتیبانی از گروه‌های مخالف منافع آمریکا و اسرائیل، تضعیف روابط واشنگتن و متحدین عرب و تقویت قدرت بازدارندگی علیه تهدیدهای ایالات متحده و اسرائیل، تضعیف کرده و تحلیل ببرد. بعید به نظر می رسد حکومت ایران با نیروهای مخالف سازش کند. بحران انتخابات و تازه ترین دور تحریم های سازمان ملل متحد، تقریباً اهداف بلند مدت سیاست خارجی ایران را تغییر نداده است یعنی حاکمیت و سلطه ایرانی و ظهور قدرت و نفوذ در منطقه و دنیای اسلام ادامه دارد. قدرت نظامی متعارف ایران منافع ایالات متحده را به چالش می کشد. ایران برای ابراز قدرت نظامی خود و با هدف تسلط بر منطقه خلیج فارس و بازداشتن رقبای احتمالی، توانایی موشک‌های بالستیک و نیروی دریایی خود را افزایش می دهد. فهرست فزاینده و رو به رشد موشک‌های بالستیک ایران و دستیابی به موشک‌های کروز ضد کشتی، قابلیت‌هایی را برای ارتقا و افزایش ابراز قدرت ایران فراهم می کند. رهبران ایران همچنان غرب را به مبارزه می طلبند، اما به نظر جامعه اطلاعاتی امریکا خودداری از تحریم‌های شدیدتر و حفظ روابط تجاری؛ رفتار حکومت ایران را ملایم‌تر و بهتر خواهد کرد. (عباسی، ۱۳۹۰، ۲۰۰-۱۹۷).

### نتیجه گیری

در دنیای امروز اطلاعات نه تنها به عنوان یکی از منابع و دارایی‌های اصلی شناخته می شود بلکه در حکم وسیله و ابزاری برای مدیریت اثر بخش بر سایر منابع و دارایی‌ها (منابع مالی، نیروی انسانی و غیره) نیز محسوب می شود و از این رو از اهمیت و ارزش ویژه‌ای برخوردار گشته است. اما این ارزش تنها در صورتی محقق و دست یافتنی خواهد بود که اطلاعات بتوانند در زمان مناسب و با کیفیت مطلوب و امنیت قابل قبول در اختیار افراد مناسب قرار گیرد. برای ارزیابی آینده معمولاً از سه رویکرد استفاده می شود:

- ۱- رویکرد هنجاری یا تجویزی: چه آینده ای را باید ساخت؟
- ۲- رویکرد تحلیلی: روندهای آینده به کدام سو می روند؟
- ۳- رویکرد تصویرپردازی: چه آینده‌ای قابل تصور است؟

ارزیابی تهدید جهانی سالانه ایالات متحده آمریکا که در ماه فوریه هر سال به کمیته انتخابی دائمی کاخ سفید آمریکا ارائه می شود، بیشتر به رویکرد تصویر پردازی می پردازد که ربط وثیقی با فرآیند ادراک تهدیدات دارد. آنچه بر اساس این تحقیق آشکار شد روند درک تهدیدات علیه ایران در ساختار رسمی ایالات متحده از ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ افزایش یافته و از سال ۲۰۰۹ این روند تثبیت و با کاهش مواجه شده و مجدد در سال ۲۰۱۲ سیر افزایشی آغاز نموده است حضور نومحافظه کاران در سیستم تصمیم گیری اجرایی آمریکا به عنوان مهمترین بخش تأثیرگذار در سیاست خارجی آمریکا، باعث تعمیق بحران ایران و آمریکا از ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ شد. این گروه با طرح بحث اسلام و مسیحیت و خیر و شر روابط را از حالت سیاسی و فکری به سطح ایدئولوژیک شدیدی برد، به طوری که ایران «محور شرارت» و آمریکا «محور خیر» تلقی گردید. تقابل بیشتر این وضعیت، نه تنها به هویتی شدن بیشتر سیاست خارجی دو کشور منتهی شد، بلکه به ایدئولوژیک شدن روابط دو کشور کمک کرد و باعث شد مقامات ایالات متحده آمریکا ادعاهایی در موارد عمده زیر مطرح نمایند که در ارزیابی تهدیدات نیز کلیه این ادعاها منتسب به ایران شده است:

۱. حمایت ایران از گروه‌هایی همچون «حماس»، «جهاد اسلامی فلسطین» و «جبهه خلق برای آزادی فلسطین»، حزب‌الله لبنان.
  ۲. مخالفت با روند صلح خاورمیانه
  ۳. به رسمیت نشناختن و مشروع ندانستن اسرائیل به عنوان یک کشور
  ۴. مخالفت ایران با میانجی‌گری آمریکا در توافقنامه‌های صلح بین اسرائیل و فلسطین، اسرائیل - سوریه
  ۵. تلاش برای دستیابی به فناوری، مواد و تخصص لازم برای گسترش سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی و توانمندی‌های موشکی برای استفاده از این سلاح‌ها
  ۶. عدم توجه ایران به خواست رو به افزایش دموکراسی‌سازی در درون و از بیرون کشور و افزایش موارد نقض حقوق بشر از طرف ایران.
- در این شرایط هر مسأله‌ای و هر اقدامی در راستای روابط دو کشور، به بحرانی‌تر شدن اوضاع می‌انجامد.

در دوره حاکمیت جرج واکر بوش از ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۹ روند تصویر سازی (Image Making) تهدید علیه ایران روندی افزایشی داشته و این در حالی است که در اسناد شورای اطلاعات

ملی گرایش به مذاکره، بسیار ضعیف و رویکرد تهدید، قوی بوده است و حتی رویکرد تقابلی علیه ایران قابل مقایسه با سایر کشورهایی که امریکا با آنها درگیر جنگ علیه تروریسم بوده و آنها را مأمّن تروریست‌ها می‌داند یا برخی کشورهایی که ورشکسته (Failed state) قلمداد می‌شوند؛ نبوده و تهدید ایران را به طرز ناباورانه‌ای زیاد ترسیم نموده‌اند گرچه این روند در دوره حاکمیت دمکرات‌ها تثبیت و سپس تقلیل یافته و اولویت تهدید در یک سند منتشره در دوره اوباما به سمت افغانستان و القاعده گرایش یافته است اما کماکان رویکرد ترسیم تهدید ایران نسبت به سایر کشورهای هدف امریکا و گروه‌های فراملی معارض امریکا (بجز افغانستان و القاعده) باز هم بیشتر بوده و کماکان حاکی از تداوم روند تقابلی در سیاست خارجی امریکا علیه ایران است و در سال جاری که سال سرنوشت‌ساز انتخاباتی برای دمکرات‌ها است برای برون افکنی بسیاری از مشکلات که سیاست تغییر پاسخگوی آن نبوده است روندی افزایشی را آغاز نموده است.



## منابع

۱. تریف، تری (۱۳۸۳). **مطالعات امنیتی نوین**، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. عباسی، محمد (۱۳۸۵). **جامعه اطلاعاتی ایالات متحده امریکا در یک نگاه**، تهران، پژوهشکده مطالعات کاربردی فارابی.
۳. عباسی، محمد (۱۳۹۰). **قدرت نرم و تهدید سخت**، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۴. میر نظامی، منیر (۱۳۸۶). **پژوهش نامه خلع سلاح**، تهران پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، سال اول، شماره ۲.
۵. هولستی، آل آر. (۱۳۸۰). **تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی**، ترجمه نادر سالارزاده امیری، نشر دانشگاه علامه طباطبائی.
۶. مارتین، لینور جی (۱۳۸۳). **چهره جدید امنیت در خاورمیانه**، ترجمه قدیر نصری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۷. مورگنتا، هانس جی (۱۳۷۴). **سیاست میان ملت‌ها**، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۸. والتز، کنت (۱۳۸۶). **منیر میر نظامی، پژوهش نامه خلع سلاح**، تهران پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، سال اول، شماره ۲.
9. Blair, Dennis C. (2009). **Annual Threat Assessment of the Intelligence Community for the Senate Select Committee on Intelligence**, available at: [www.nic.org](http://www.nic.org).
10. Blair, Dennis C. (2010). **Annual Threat Assessment of the US Intelligence Community for the Senate Select Committee on Intelligence**, available at: [www.nic.org](http://www.nic.org).
11. Clapper, James R. (2011). **Statement for the Record on the Worldwide Threat Assessment of the U.S. Intelligence Community for the House Permanent Select Committee on Intelligence**, , available at: [www.nic.org](http://www.nic.org).
12. Clapper, James R. (2012). **Statement for the Record on the Worldwide Threat Assessment of the U.S. Intelligence Community for the House Permanent Select Committee on Intelligence**, , available at: [www.nic.org](http://www.nic.org).
13. Jarvis, Robert (April 1968). "Hypotheses on Misperception", World Politics, Vol.20, No.3.
14. Levite, Ariel, E. (2003). "Never say again" nuclear reversal revisited: international security, vol, 27, No.3.
15. McConnell, J Michael (2008). **Annual Threat Assessment of the Director of National Intelligence**, available at: [www.nic.org](http://www.nic.org).

16. McConnell, J Michael (2007). **Annual Threat Assessment of the Director of National Intelligence**, available at: [www.nic.org](http://www.nic.org).
17. Negroponte, John D. (2006). **Annual Threat Assessment of the Director of National Intelligence for the Senate Select Committee on Intelligence**, available at: [www.nic.org](http://www.nic.org).
18. Negroponte, John D. (2007). **Annual Threat Assessment of the Director of National Intelligence**, available at: [www.nic.org](http://www.nic.org).
19. Solingen, Etel (2007). **nuclear logics: contrast path in East Asia and the middle east**, Princeton and Oxford: Princeton University Press.
20. Walt, S (2000). Alliance: "**Balancing and Band Wagoning**" In Art, R.j. and Jervis, R. eds. International Politics: Enduring Concepts and Contemporary Issues. New York: Addison Welsey Longman Inc.

Archive of SID